

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

س.رها
۱۹ جولای ۲۰۱۳

دوکلمه در باره جامعه مدنی

جامعه مدنی چیست و ابزار کدام طبقه برای سرکوب طبقه دیگر است و آیا جامعه مدنی می تواند فرا طبقاتی عمل کند، این ها سؤالاتی اند که ذهن هر کنجکاو را به طرف خود می کشانند. در این باره نه می خواهم و هم نه می توانم به تمام این پرسش ها جواب درخور و کامل ارائه بدارم، در این جا این قلم صرف به دو تعریف متفاوت از جامعه مدنی پرداخته و با بیان نظر شخصی خود بر این بحث خاتمه می دهم.

هگل: "جامعه مدنی به مجموعه نهادها، اشخاص اصلی و حکمی، شخصیت های ملی، روحانیون متنفذ و روشنفکران فعال اطلاق می گردد که خارج از تشکیلات دولت برای احقاق حقوق همه شهروندان فعالیت داشته باشند و نیز دادگاه ها، پولیس و ادارات از اجزای جامعه مدنی می باشند".

هانری فور: "جامعه مدنی در جامعه شناسی عبارت است از تجمع چند قشر جامعه که هدف اصلی شان عملیات مدنی (زندگی مدنی) می باشند کار می کنند و غالباً غیر انتفاعی می باشند".

خوب! طبق تعریف دانشمندان متذکره ما یک محلول دل ناپذیری را باید به نام جامعه مدنی بشناسیم. "مجموعه نهادها" و "تجمع چند قشر" این ها دقیقاً کلماتی هستند که گرگ و گوسفند را در یک جوال حواله کرده و مولودش را جامعه مدنی خوانده اند، آیا این "چندقشر" در آغاز برای دست یابی به کدام منظورشان دست به تشکیل قشر خود زده و در مقابل کدام قشر دیگر؟

و آیا زمانی که این "چندقشر" که همه از طبقات مختلف جامعه دور هم جمع گردیده اند می توانند کار واحدی را انجام دهند که تمام این "چندقشر" به اندازه مساوی از آن مستفید گردند؟

نه، به هیچ صورت. جوامع به تناسب ضروریات مادی و اقتصادی شان است که به طبقات و قشر ها تقسیم شده اند پس اگر کدام تفاوت بین این ها وجود نمی داشت به این "چندقشر" تقسیم نمی شدند و همگی مربوط یک قشر می شدند که در اینصورت منطقاً خواست شان و عمل شان به دنبال این خواست یکی و در انطباق باهم می بود ولی زمانی که این ها به اساس همین خواست های شان به "چند قشر" تقسیم شده اند، قدر مسلم است که برآورده ساختن این خواست ها نیز عمل و کارکرد متفاوت را لازم دارند، یعنی برای برآورده ساختن به طور مساویانه حقوق در صورت متفاوت بودن شکل همان حقوق و خواست، برخورد و عمل متفاوت نیاز می باشد تا آن خواست های متفاوت برآورده شوند صریح تر بگویم: اگر نابرابری در جامعه وجود نمی داشت به وجود جامعه مدنی نیاز نمی شد، یعنی جامعه مدنی، خود محصول نابرابری در جامعه می باشد. پس در اینصورت باید دانست که برای مبارزه با نابرابری به قوانین نابرابر نیاز است. پس مسجل اند که آن جامعه مدنی که از "مجموعه نهادها" و "چندقشر" به وجود آمده اند کاری را نمی توانند انجام دهند که در عین زمان برای تمام آن قشر و پانهاد ها یکسان مثر ثمر واقع گردد و در صورتی که قادر به انجام این کار نباشند-که

حتماً نیستند-پس جامعه‌مدنی بی معنی بوده و آن چیز است که به طبقات اجازه می دهد تا تضاد و خصم خود را در مقابل طبقه دیگر علناً به نمایش بگذارند وگرنه در جامعه اشتراکی ویا جامعه ای که تضاد طبقات در آن به شکل انتاگونیستی نباشند، دیگر به جامعه مدنی نیازی نیست و دقیقاً سروصدای جامعه مدنی در آن کشورهای سرمایه داری کر کننده می باشند که تضاد طبقات و بی عدالتی در آنجا به اوج خود رسیده باشد. در کشورهای سرمایه داری معمولاً قدرت و حکومت به دست دو جناح "پوزیسیون" و "پوزیسیون" بوده و جامعه مدنی نیز از مالکیت خصوصی این دوجناح شمرده شده و قسماً باید با هردو در ارتباط باشند، زمانی که قدرت از دست یک جناح به دست جناح دیگر می افتد، اعضای جامعه مدنی نیز تغییر نموده و رنگ جناح بر سر قدرت را به خود می گیرد. امریکا که خود را از طلایه داران جامعه مدنی دانسته و همه روز از طریق تئوریسن های خود به تبلیغ جامعه مدنی در کشورهای جهان سوم و ادارات مستعمراتی مثل افغانستان می پردازند، ببینیم که این جامعه مدنی امریکا دارای چه شکل بوده و تاجه سرحد از این طریق به ملت خود یاری رسانده و عدالت را در آنجا نهادینه ساخته است.

در امریکا از برکت جامعه مدنی یک ونیم میلیون سیاه پوست در زندان ها به سر می برند، از مجموع سفید پوستان امریکا ۶٪ مردم شان زیر خط فقر زندگی کرده وبا مشکل بی کاری دست و پنجه نرم می کنند اما این رقم در میان سیاه پوستان به ۲۶٪ رسیده است که هر روز در حال گسترش است، از هر سه سیاه پوست دونفر آن ناگزیر در زندگی خود دوران زندان را سپری کرده است ولی در میان سفید پوستان امریکا این رقم بیش از حد ناچیز است تا سرحدی که از هر ۲۰ سفید پوست، یکی آن به زندان رفته است، در آمد عادی یک سفید پوست برابر است با درآمدی عادی چهار سیاه پوست.

مثال: یک زن سیاه پوست به خاطر دزدیدن یک موبایل Iphon که در امریکا قیمتش به 750 دالر می رسد، محکوم به دوازده سال سپری کردن در زندان می شود اما یک دختر سفید پوست به خاطر کشتن دو نفر باموترش، برایش جزا تعیین می شود که یک سال به طور مداوم روز های یک شنبه به کلیسا رفته و آمرزش و مغفرت طلب نماید. این است عدالت اجتماعی در امریکا و این است سوغات جامعه مدنی.